نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی

بهنام عرب بافرانی
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه راغب اصفهانی اصفهان
Bafrani.sangar@gmail.com

چکیده
رهبر فرزانه انقلاب (مدظله العالی) برای نخستین بار در شهریور سال 1386، اقتصاد مقاومتی را مطرح فرموده و بیان کردند که "ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور پدید بیاوریم". از طرفی نظام تامین مالی، یکی از مسائل راهبردی در تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می شود. تاکید سیاست های اقتصاد مقاومتی بر مردمی کردن اقتصاد، توسعه اقتصاد دانش بنیان، عدالت محوری، تولید گرایی، اصلاح و مدیریت مصرف، خود اتکایی در تامین نیاز های اساسی و امنیت و استقلال اقتصادی به وضوح، لزوم تدوین سازوکارهای متناسب تامین مالی را آشکار می سازد. مقاله حاضر در پی آن است که نشان دهد قرض الحسنه به عنوان یکی از اصول مهم اقتصادی که دین مبین اسلام هم برای آن اهمیت فراوانی قائل شده است و با مشخصه های خاصی نظیر اخلاص، بدون ریا بودن، از مال حلال قرض دادن و بدون منت بودن شناخته می‌شود، می تواند به عنوان یک مولفه ی راهبردی جهت تامین مالی الگوی اقتصاد مقاومتی مطرح گردد. روش بررسی به صورت توصیفی – تحلیلی است.

واژگان کلیدی: قرض الحسنه، اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، تامین مالی

مقدمه

ریشه فکری مشکلات اقتصادی، فقدان خودباوری و وابستگی فکری به غرب است؛ غربی که در سراشیبی سقوط قرار گرفته و برای نجات خود، سال هاست که نابودی ملت ها را در دستور کار قرار داده است. دستاورد های نظری و تجربی 35 ساله گذشته نشان می دهد که بهبود معیشت مردم نه از طریق اقتصاد مبتنی بر لیبرال سرمایه داری به دست می آید و نه اقتصاد تمرکزگرا. موسسات و نسخه های طراحی شده نهاد های اقتصاد سرمایه داری نمی تواند با شرایط دینی و ملی و نیز منافع مردم کشورمان منطبق شود و این امر موجب تکاثر ثروت و شکاف طبقاتی را فراهم می آورد.

یکی از ترفند های دشمن و نظام سلطه برای عقب نگه داشتن کشور ها، ایجاد بحران ها و نوسانات کاذب در اقتصاد آن کشور است. این بحران ها می توانند از یک سو تهدید و از یک سو فرصت قلمداد شوند. اگر مردم و مسئولین کشور صرفا به فکر راه حل های کوتاه مدت، مقطعی و به اصطلاح مسکنی باشند، ساختار های اقتصادی تغییری نکرده و همه امکانات کشور صرف فرونشاندن نزاع ها و نوسانات خواهد شد و منابع کشور به هدر خواهد رفت. اقتصاد مقاومتی، کلید واژه ای است که با ساختار منسجم و راهبرد های دقیق خود می تواند در شرایط کنونی، تهدید ها را به فرصت تبدیل کرده و دستاورد های مغتنمی را برای نظام اقتصادی کشور به ارمغان آورد. از جمله سیاست های راهبردی اقتصاد مقاوتی عبارت اند از: مردمی کردن اقتصاد، توسعه اقتصاد دانش بنیان، عدالت محوری، تولید گرایی، اصلاح و مدیریت مصرف، خود اتکایی در تامین نیاز های اساسی و امنیت و استقلال اقتصادی. اجرای این سیاست ها مستلزم یک نظام تامین مالی مبتنی بر آموزه های اقتصاد اسلامی است. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد قرض الحسنه ابزاری است که می تواند ما را در دستیابی به سیاست های مزبور و تحقق کامل اقتصاد مقاومتی یاری دهد.

پیرامون موضوع اقتصاد مقاومتی، پژوهش های زیادی انجام گرفته است که ما به سه نمونه از مهم ترین آن ها اشاره می کنیم. میرمعزی در مقاله ای با عنوان "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، تفسیر روشنی از اقتصاد مقاومتی را مستند به بیانات مقام معظم رهبری بیان می دارد و به دنبال ارائه ی نظریه ای منسجم بر اساس بیانات معظم له می باشد. تراب زاده جهرمی و همکاران در پژوهشی باعنوان "بررسی ابعاد و مولفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای" با تحلیل سخنان رهبر معظم انقلاب و با بهره گیری از روش نظریه پردازی داده بنیاد، مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج کرده اند. سیف هم در مقاله ی خود با عنوان "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)" با پرداختن به ادبیات فنریت اقتصادی و با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری، الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران شامل مولفه های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی ارائه می کند.

در ادبیات قرض الحسنه، با توجه به سابقه ی طولانی این موضوع در اقتصاد اسلامی، کارهای بسیاری انجام شده است که ما به برخی از این کارها اشاره می کنیم. در سال های اخیر برخی با عنایت به اینکه از لحاظ نظری کار شایسته ای صورت نگرفته است، جنبه نظری آن را مد نظر قرار داده اند، که در این میان می توان به کتاب "ربا و قرض در اسلام" نوشته محمد حسین ابراهیمی اشاره کرد. بعضی هم به عنوان تعیین جایگاه قرض الحسنه در نظام اقتصادی اسلام و اثرات اقتصادی آن در راستای ایجاد ارتباط بین دو نوع ادبیات موجود تلاش نموده اند، که از این میان می توان به پایان نامه علی اصغر هادوی نیا با عنوان "درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن" اشاره کرد. اکبر کمیجانی و علی اصغر هادوی نیا در مقاله ی خود با عنوان "درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و آثار اقتصادی آن"، سعی دارند با استفاده از منابع فقهی، روایی و تفسیری، ماهیت قرض الحسنه را مورد توجه قرار دهند. آن ها همچنین بیان می دارند که قرض الحسنه در تامین اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، مصرف، پس انداز و توزیع درآمد نقش بسزایی دارد. ابوالقاسم توحیدی نیا در مقاله ای با عنوان جذب سپرده قرض الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی(صکوک) نشان داده است که چگونه بانک قرض الحسنه با نقش آفرینی در

یکی یا بیشتر از اجزاء و ارکان اساسی صکوک می تواند بر مشکل نقدینگی خود فائق آمده و اسباب توسعه قرض الحسنه را فراهم آورد.

روش تحقیق

روش بررسی به صورت توصیفی – تحلیلی است.

یافته ها

قرض و قرض الحسنه و تفاوت آن دو

قرض به معنای بریدن و قطع کردن است و مالی را که به دیگری داده می‌شود به شرط بازگرداندن (عین یا بدل آن) قرض می‌خوانند(راغب اصفهانی، 1412) گویا قرض دهنده، آن مال را از بقیّه احوالش بریده است.(جوادی آملی، 1385)

در قرآن کریم، واژه «حسن» صفت قرض الحسنه قرار گرفته است؛ حسن یعنی زیبا و نیکو(قرشی، 1371) و قرض نیکو آن است که از مال حلال باشد و آن را با منّت گذاردن و اذیّت، ضایع نکند.(طبرسی، 1372)

از نظر اصطلاح، قرض به عنوان یکی از عقود اسلامی در قسمت ابواب معاملات کتب فقهی مطرح است که تعاریف مختلفی برای آن بیان فرموده‌اند که از مجموع آن‌ها چنین استفاده می‌شود که معنای اصطلاحی قرض یعنی مالی را به ملک دیگری در آوردن یا ضامن شدن عوض آن مال و اما عقد قرض دارای دو طرف می‌باشد؛ مقرض یا وام دهنده که قبول از طرف او منعقد می‌گردد و مقترض یا وام گیرنده که ایجاب از طرف او منعقد می‌گردد و لازم نیست به عربی خوانده شود و به فارسی هم کفایت می‌کند و لکن الفاظ باید به گونه‌ای باشد که قصد مقرض و مقترض را برساند و البته علما معتقدند که قرض به صورت معاطاتی نیز واقع می‌شود و صحیح است چنانچه صاحب جواهر فرمودند : «فالظاهر دخول المعاطاه فیه بناء علی دخول‌ها فی غیره بل هوا ولی من البیع و غیره بذلک و السیره فیه اتم» پس ظاهر آن است که معاطات در قرض نیز جاری می‌شود، چنانچه در غیر از عقد قرض هم واقع می‌شود بلکه معاطاتی واقع شدن عقد قرض نسبت به بیع و غیر از آن اولویت دارد و سیره در مورد معاطاتی واقع شدن تمام است.(نجفی، 1394)

قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض الحسنهٔ فقهی نیز می‌شود. زیرا از منظر قرآن کریم هر کار خیری که انسان برای خدا انجام دهد، قرض الحسنه برای اوست؛ خواه عبادت اصطلاحی باشد مانند: نماز و روزه یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام المنفعه باشد: مانند مسجد و مدرسه سازی، یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا.(جوادی آملی، 1385)

ویژگی های قرض الحسنه

انگیزه وام دهنده

وام دهنده، بی‌آن که در پی سود باشد، مدتی از تصرّف در مال خویش چشم می‌پوشد. در این موقعیت، نخستین پرسشی که به ذهن می‌آید آن است که انگیزه‌ی این رفتار اقتصادی چیست؟

در پاسخ بدین پرسش باید گفت: هر یک از امور زیر می‌تواند وام دهنده را بدین کار برانگیزد:

الف: انگیزه اخروی

اولین انگیزه‌ی قرض، که در فرهنگ اسلامی بر آن تأکید شده است، پاداش آن جهانی است.

- مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ(بقره 245) کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگدستی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او باز گردانده می‌شوید.

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرمایند : «در این آیات خدا وجوب جهاد را بیان کرده و به اتفاق و بذل مال برای تجهیزات لشکری و تهیه مهمات و نیروهای لازم دعوت می‌نماید و آن را قرض دادن مال به خدا می‌شمرد زیرا صرف مال در راه

خدا است ... و در اینجا معنای قرض معروف است و صرف کردن اموال در راه خدا و ام دادن به او شمرده شده زیرا در راه او مصرف می‌شود و چند برابر آنهم به ایشان عوض داده خواهد شد. »(طباطبائی، 1393)

- إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَّدِّقَاتِ وَ أَقْرَضُواْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ(حدید 18) خدا به مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده‌ای که به خدا قرض الحسنه می‌دهند، دو چندان پاداش می‌دهد و نیز آن‌ها را اجری نیکوست.

در تفسیر این آیه به این صورت بیان شده: «این آیه‌ی شریفه داستان اجر کریم و مضاعف را دوبار خاطر نشان کرد تا به این وسیله نیز ترغیب در راه خدا کرده باشد و در سابق انفاقگران را قرض دهندگان به خدا می‌خواند و در این آیه‌ی شریفه نیز صدقه دهندگان را چنین نامیده.»(طباطبائی، 1393)

- مَّن ذَا الَّذِی يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ(حدید 11) کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداشی نیکو باشد.

در المیزان در مورد معنای قرض در این آیه چنین آمده: در آیه‌ی مورد بحث تشویقی بالغ به اتفاق در راه خدا شده که مافوق آن تصور ندارد چون از یک سو سوال کرده که آیا کسی هست که چنین قرضی به خدا دهد و از سوی دیگر انفاق او را قرض دادن به خدای سبحان نامیده که پرداخت آن بر قرض گیرنده واجب است.(طباطبائی، 1393)

- إِن تُقْرِضُواْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ(تغابن 17).

اگر به خدا قرض الحسنه دهید برایتان دو برابرش خواهد کرد و شما را می‌آمرزد که او شکر پذیرنده و بردبار است.

در تفسیر چنین آمده: «منظور از اقراض خدای تعالی انفاق در راه خداست و اگر این عمل را قرض دادن به خدا و آن مال انفاق شده را قرض حسن خوانده به این منظور بوده که مسلمین را به انفاق ترغیب کرده باشد.»(طباطبائی، 1393)

- عن الفضیل قال : قال ابوعبدالله (علیه السلام) : ما من مسلمٍ اقرضَ مسلماً قرضاً حسناً یریدُ به وجهَ اللهِ الا حسبَ لهُ أجرها کحسابِ الصدقهِ حتی یرجعُ الیهِ(عاملی، 1952).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ مسلمانی نیست که قرض دهد مسلمانی را قرض پسندیده و اراده کند به این عمل حضرت حق مگر آنکه پاداش قرض برای او مانند پاداش صدقه محسوب می‌شود تا آنکه برگردانده شود.

- عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال : و مَن أقرضَ أخاهُ المسلمَ کانَ لهُ به کل درهمٍ أقرضَهُ وزنُ جبلِ أُحدٍ و جبالِ رَضوی و طور سینا حسنات و ءِان رَفقَ به فی طلبهِ تعدّی بهِ علی الصراطِ کالبَرقِ الخاطفِ اللامعِ به غیر حسابٍ و لاعذابٍ و مَن شَکی الیه أخوه المسلمُ فلم یُقرضهُ حرَمَ اللهُ عز و جل علیه الجَنهَ یومَ یَجزی المحسنین(عاملی، 1952).

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند : هر کس به برادر مسلمانش قرض دهد به ازی هر درهم آن به وزن کوه‌های احد و رضوی و طور سینا حسنات برای او خواهد بود و اگر پس از فرا رسیدن مهلت با او مدارا کند از پل صراط بدون رسیدگی به حساب چون برق سریع و درخشنده می‌گذرد و هیچ عذابی نمی‌بینند و هرکس که برادر مسلمانش از وی یاری طلبد اما به او قرض ندهد هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می‌دهد بهشت را بر او حرام می‌سازد.

- عن جابر عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مَن أقرضَ مومناً قرضاً ینظرُ بهِ میسورَهُ کان له فی زکاهٍ و کان هو فی صلاهٍ من الملائکهِ حیثُ یوءدیهِ.(عاملی، 1952).

امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: که کسی که به مومنی قرض دهد و منتظر بماند تا توانایی پرداخت را پیدا کند مال او ثواب زکات را دارد و مشمول درود ملائکه است تا هنگامی که بدهکار او وام خود را ادا کند.

یک فرد مسلمان، که با فرهنگ اسلامی زندگی می‌کند، با چنین مفاهیمی آشناست. پس بسیار منطقی است که انگیزه‌ی چنین رفتاری در وی وجود داشته باشد.

ب: انگیزه اخلاقی

یکی از اهداف انسان‌های کامل، به دست آوردن اخلاق پسندیده است. هر چند پیامبراکرم(ص) برای کامل کردن مکارم اخلاق آمده است ولی کسب اخلاق نیک به اسلام اختصاص ندارد و از اهداف همه‌ی ادیان است. بخل از رذائل اخلاقی است و در برابر آن، سخاوت و بخشش از اخلاق پسندیده به شمار می‌آید. قرض رفتاری است که در سایه‌ی این صفت پسندیده پدید می‌آید.(مجلسی، 1370)

قرض از ثمرات سخاوت است، زیرا سخاوتمند راضی می‌شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را، تا زمانی که او توانایی بازپرداخت دارد، قرض بدهد؛ چنان که راضی می‌شود مالش را ببخشد، درحالی که این رفتار برای بخیل مشکل به نظر می‌رسد.(نراقی، 1377)

ج: انگیزه نوع دوستی

انسان موجودی اجتماعی است و هر اجتماعی به تعاون و هم‌یاری نیازمند است. تعاون امری ضروری است وگرنه افراد به منافع خود نخواهند رسید. البته هر چه سطح این تعاون بالاتر رود، زندگی اجتماعی منسجم‌تر می‌شود. قرض نیز نوعی تعاون اجتماعی است که می‌تواند از حسّ نوع دوستی افراد سرچشمه بگیرد.(قبانچی، 1365)

د: پس‌انداز

از نظر روان‌شناسی، می‌توان گفت: هر فرد به پس‌انداز بخشی از درآمد خود گرایش دارد. چنان که در آینده اشاره خواهد شد، با ارائه‌ی تحلیلی از رفتار یک فرد در مورد پس‌انداز، قرض را نوعی پس‌انداز فردی به شمار آورد.

و: جایزه

قرض دهندگان از نظر انگیزه و شرایط اقتصادی متفاوتند. می‌توان، باتوجه به آنچه در آینده متذکر می‌شویم، جایزه یا پرداخت اضافی داوطلبانه در قرض قرار داد. این امر نه تنها ممنوع نیست، بلکه در روایات مورد سفارش واقع شده است.(عبداللهی، 1371) پس می‌توان با تعیین جایزه به شیوه‌های مختلف انگیزه‌ی قرض دادن را در مردم تقویت کرد. البته این امر شرط هایی دارد که در آینده خواهد آمد.

چنان که پیداست انگیزه‌ی اول صرفاً اخروی است؛ انگیزه‌های دوم و سوم معنوی و انگیزه‌های چهارم و پنجم مادّی مشروع شمرده می‌شود. در بینش اسلامی، هر چه انگیزه‌ی قرض‌دهنده به اولین انگیزه نزدیک‌تر شود، به "قرض حسن" نزدیک‌تر شده است. از نظر اجتماعی نیز ایجاد هرکدام از آن‌ها شیوه‌ی خاصّی از تبلیغات را می‌طلبد.

انگیزه وام گیرنده

نیازمند بودن وام گیرنده، در قرض‌الحسنه اصلی مهم است. چنان که پیش‌تر اشاره شد، در فرهنگ اسلامی قرض گرفتن، اگر برای رفع نیازهای ضروری نباشد، امری ناپسند شمرده شده است.(ر. ک: قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، ص50) روایات، قرض گرفتن بدون نیاز و اضطرار را ناپسند می‌دانند چرا که برخلاف منش و عزت نفس انسانی است. چون فرد مقروض خود را در مقابل طلبکار کوچک می‌بیند علاوه بر این، آسایش روحی و تمرکز فکر خود را از دست خواهد داد.

چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«ایاکم والدین فانه مذلّة بالنهار و مهمة باللیل»(عاملی، 1952)

«بپرهیزید از قرض که آن موجب ذلت در روز و غم و ناراحتی در شب است.»

و بالاتر از آن پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«از قرض گرفتن بپرهیزید چون موجب خواری دین می‌شود»(عاملی، 1952)
قرض گرفتن، اگر با نیاز همراه نباشد، مکروه است و هر چه بر نیاز فرد افزوده شود، از کراهت آن کاسته می‌شود.(امام خمینی، 1365)
قرض گرفتن مکروه{و ناپسند}است مگر زمانی که ضرورتی آن را لازم سازد. پس، در صورت اختیار، وام گرفتن شایسته نیست.(شیخ طوسی، 1400)

البته این نیاز ضروری نباید ریشه در کم‌کاری و سستی فرد داشته باشد. انسان باید به اندازه‌ی کافی تلاش کند؛ ولی چنانچه کوشش‌هایش به عللی به رفع نیازهای ضروری‌اش نینجامد، می‌تواند قرض بگیرد.

کسی که در پی روزی حلال برود، اما در زندگی درمانده شود، خوب است وام بگیرد. خدا و رسول او را (در بازپرداخت آن) یاری خواهند داد.(عاملی، 1952)
امام کاظم (ع) فرمود: «کسی که کوشش برای امور زندگی کند، راه به جائی نبرد طلب قرض کند، آن چنان که بر دین خدا و رسولش باشد.»(عاملی، 1952)

این نکته باعث می‌شود که افراد جامعه راه‌های طبیعی رفع نیاز را فراموش نکنند و اندیشه‌ی زندگی از راه قرض را در سر نپرورانند. زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می‌داند نه شغل یا معامله.(قبانچی، 1365)
عوامل مختلفی می‌تواند سبب ضرورت نیاز انسان شود. بخشی از این عوامل عبارت است از:
- عامل تکوینی که سبب نیاز به غذا و دارو و ... می‌شود.
- عامل تشریعی (اموری که شارع واجب کرده است، مانند حجّ) که نیازهایی ضروری را در انسان پدید می‌آورد.
- عامل اجتماعی (زیستن در جامعه) که به نیازهایی می‌انجامد و با توجه به جایگاه اجتماعی انسان تعدادی از آن‌ها ضرورت خاصّ می‌یابد.
روایات ائمه‌ی اطهار(ع) نشان می‌دهد که قرض در تمام موارد فوق ممکن است:
از امام صادق(ع) درباره‌ی کسی که قرض گرفته و به حجّ رفته است، پرسیده شد. امام(ع) فرمود: درست است. همچنین درباره‌ی کسی که برای ازدواج قرض گرفته است، پرسیدند. امام(ع) فرمود اشکال ندارد. همانا چنین کسی{برای دادن بدهی‌اش} روز و شب{پس از تلاش} منتظر روزی خداوند است.(شیخ صدوق، 381)

البته توجه به دو نکته‌ی مهم ضروری است:
- ملاک یاد شده نشان می‌دهد که موارد قرض‌الحسنه بیش‌تر امور مصرفی است و چنان که اشاره خواهد شد، در امور تولیدی کم‌تر از آن استفاده می‌شود.
- رفع نیازهای ضروری یک فرد، به مبالغ هنگفت، که معمولاً در امور تولیدی مطرح است، نیاز ندارد. بدین سبب قرض‌الحسنه در مبالغ درشت از مطلوبیت کم‌تری برخوردار است.(ابراهیمی، 1372)
"ضروری بودن نیاز وام‌گیرنده"، یکی از اصول قرض‌الحسنه است و رابطه‌ی آن با دیگر نهادهای نظام اسلامی را مشخص می‌سازد. توضیح بیش‌تر این مطلب در آینده خواهد آمد. افزون بر این، اگر وام دهنده را عرضه‌کننده‌ی وام و قرض گیرنده را متقاضی معرفی کنیم، توجه به این اصل جامعه را از حالت مازاد تقاضا دور و به تعادل نزدیک می‌سازد.
این اصل در مورد تعیین کارآمدی فعالیت‌هایی که با عنوان قرض‌الحسنه انجام می‌گیرد، نقشی مهم دارد؛ زیرا هر چه قرض به ضروری‌ترین نیازهای جامعه و نیازمندترین افراد جامعه تعلّق گرفته باشد، آن فعالیت به اهداف قرض‌الحسنه نزدیک‌تر است و

بهتر عمل کرده است.

قرض‌الحسنه و طلب سود

حرمت ربا از احکام تردید ناپذیر اسلام و بلکه همه‌ی ادیان آسمانی است. ربای قرضی یکی از انواع ربا شمرده می‌شود. در ربای قرضی، وام دهنده، مال خود را به شرط دریافت سود قرض می‌دهد.(ر. ک: قرض الحسنه و آثا اقتصادی آن، ص55-52)
علما ربا را به دو نوع تقسیم می‌کنند: 1- ربای معاوضه‌ای 2- ربای قرضی. آنچه در این گفتار مورد بحث قرار می‌گیرد، ربای قرضی است چون که یکی از بسترهای به وجود آمدن ربا در جامعه‌ی اسلامی، سودی است که در رابطه وام‌ها گرفته می‌شود.
دو علت موجب ربوی شدن قرض می‌گردد: 1- قرض موجب زیاده و سودی بر اصل قرض باشد. 2- این سود و زیادی از طرف وام دهنده شرط شده باشد و همانا نسبت بین این دو علت عام و خاص من وجه است که دارای دو وجه افتراق و یک وجه اشتراک می‌باشند اما وجه افتراق اول در جایی است که شرط به نفع وام گیرنده یا به ضرر وام دهنده یا به نفع شخص ثالث باشد به صورتی که نفعی به وام دهنده نرسد و وجه افتراق دیگر در جایی است که زیاده و نفع بدون شرط از طرف وام گیرنده و از روی رضایت خاطر به وام دهنده داده شود.
و اما وجه اشتراک در جایی است که وام گیرنده بنابر شرط قبلی به وام دهنده سود بپردازد، البته باید دانست که به واسطه کلمه‌ی زیادی بر قرض نباید قرض ربوی را در زیادی مالی و عینی منحصر کرد چون در بعض روایات کلمه نفع و شیء را به طور مطلق استعمال نمود:
- عن ابی عبدالله (علیه السلام) انَّه سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ یُسلِمُ فِی بَیعٍ عِشرینَ دِیناراً عَلی اَن یُقرِضَ صاحِبَهُ عَشرهَ وَ أما أشبَهَ ذلک قال : لا یُصلَحُ ذلک لِاَنَّهُ قَرَضٌ یَجُرُّ مَنفَعَهً.
در محضر امام صادق سوال شد از مردی که در بیعی 20 دینار را به عنوان سلم به خریدار می‌دهد بنابر اینکه صاحب سلم 10 دینار یا مانند آن را به او قرض دهد؟ حضرت فرمودند: این قرض صلاحیت ندارد چونکه قرضی است که منجر به منفعت و سود گردید.(نوری، 1415)
- عن ابی جعفر (علیه السلام) انه قال : کُلُّ قَرضٍ جَرَّ مَنفَعَهً فَهُوَ رِبا. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده حضرت فرمودند : هر وامی که سودی جذب کند رباست. (نوری، 1415)
از نظر دلیل‌های شرعی حرمت ربای قرضی از دو جهت قابل اثبات است:
- دلیل‌هایی که به طور مطلق، چه در معاملات و چه در قرض، حرمت ربا را بیان می‌کند:
پس اگر ترک ربا نکردید، آگاه باشید که به جنگ خدا و رسولش برخاسته‌اید و اگر از این کار پشیمان شدید، اصل مالِ شما برای شماست؛ {نه زیاده} پس شما به کسی ستم نکرده و از کسی ستم نکشیده‌اید.
- روایاتی که آشکارا از شرط سود در قرض نهی کرده است:
کسی که پولی قرض می‌دهد، نباید{گرفتن} چیزی غیر از مثل مال خود را شرط کند. پس اگر وام‌گیرنده {به خواست خود} بدهی‌اش را به گونه‌یی بهتر بازپرداخت، {می‌تواند} از وی بپذیرد. هیچ یک از شما، {حتی} سوار شدن بر مرکبی و یا عاریه گرفتن کالایی را، ضمن قرض دادن پولش، شرط نکند.(شیخ طوسی، 1413)

حرام بودن شرط سود در قرض به قدری میان اصحاب آشکار بود که معمولاً اصحاب از حکم آن نپرسیده‌اند و بیش‌تر مصادیقی مانند مهمان شدن بر وام گیرنده(شیخ طوسی، 1413) و نظیر آن را مورد پرسش قرار داده‌اند.
البته این سود، که در فقه آن را "زیاده" می‌خوانند، می‌تواند به شکل عین و کالا باشد؛ یعنی افزایش کمّی سرمایه‌یی که قرض داده شده است و یا افزایش کیفی آن مورد شرط قرار گیرد؛ برای مثال شرط شود که به جای کالای کهنه‌ی قرض داده شده، کالای نو بازگردانده شود. اولی را "زیاده‌ی عینیه" و دومی را "زیاده‌ی حکمیه" می‌نامند و هر دو در قرض حرام

است.(امام خمینی، 1365)

موارد یاد شده نشان می‌دهد که هرگز نباید، ضمن قرارداد قرض، شرط سود مطرح شود. اگر چنین امری تحقق یابد، قرض درست است؛ ولی شرط باطل و حرام خواهد بود(امام خمینی، 1365) یعنی وام گیرنده می‌تواند در آن چه قرض کرده تصرف کند و هنگام بازپرداخت، از دادن سود سرباز زند بی آن که، از نظر حقوقی و فقهی، وام دهنده حقی داشته باشد.

البته برای تشویق قرض‌دهندگان، تعیین جایزه اشکال ندارد.(ابراهیمی، 1372) در واقع این جایزه ضمن قرارداد قرض مطرح نمی‌شود و هیچ حقی برای قرض دهنده به ارمغان نمی‌آورد(عبداللهی، 1371) به ویژه اگر جایزه به صورت قرعه‌کشی (احتمالی) باشد.

موارد فوق به زمان انعقاد قرارداد ارتباط دارد؛ اما هنگام بازپرداخت، قرض‌گیرنده می‌تواند، افزون بر مال قرض گرفته شده، زیاده‌یی نیز به بستانکار بازگرداند. معصومان(ع) چنین عملی را پسندیده شمرده، به آن سفارش بسیار کرده‌اند. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

همانا بهترین مردم کسی است که بدهی‌اش را به نیکوترین وجه پرداخت کند.(احمد بن حنبل، 1389)

بهترین قرض آن است که با خود سودی بیاورد.(شیخ کلینی، 1393)

نتیجه‌ی کلی این مطالب آن است که در "قرض حسن" وام دهنده نباید با هدف گرفتن سود قرض بدهد؛ ولی بهتر است وام گیرنده، هنگام بازپرداخت، داوطلبانه زیاده‌یی بر مال بیفزاید.

اقتصاد مقاومتی

پس از طی کردن دوران مقابله سخت جمهوری اسلامی با جبهه کفر، به منظور بقای سیاسی و فکری خویش که دستاوردی چون دفاع مقدس را به همراه داشت، عرصه تقابل به فضاهای نرم و هوشمند رسیده است. البته از ابتدا نیز این نوع وجود داشته؛ لیکن شدت و حجم آن گسترش یافته است. حوزه ها و فضاهای گوناگون علمی، اقتصادی و سیاسی شاهد این تقابل بوده و هستند اما در سالیان اخیر و با شکست اکثر تهاجمات دشمن در عرصه های مختلف، تحریم های شدیدتر اقتصادی و محدودیت‌های کسب و کار داخلی و ارتباطات خارجی در دستور کار قرار گرفته است. مجموعه شرایط پیش آمده برای کشور که نظیری برای آن در عرصه بین المللی و نظری اقتصاد نمی توان یافت، باعث شد که رهبر انقلاب اسلامی ادبیات و عرصه جدیدی را برای استمرار و اقتدار ملی و اقتصادی کشور ترسیم کنند. این عرصه ها که با ظهور مفهومی به نام اقتصاد مقاومتی تجلی یافته است، بیانگر مجموعه تعاریف، شاخص‌ها و سیاست هایی است که اقتصاد ملی را بر اساس شرایط مستحدثه تدوین کرده و نوعی انعطاف پذیری و اقتدار همزمان را برای این حوزه فراهم می آورد(تراب زاده و همکاران، 1392).

در تعریف اقتصاد مقاومتی لازم است که مستقیما به فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب مراجعه نمائیم. ایشان در چندین مورد به معرفی اقتصاد مقاومتی پرداخته اند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

"اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفند های دشمنان که همیشگی و به شکل های گوناگون خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند"(بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، 91/6/2)

"اقتصاد در یک چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در برابر کارشکنی دشمن، خباثت دشمن، دشمنانی که ما داریم"(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان، 91/5/8)

اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه ای از الگو های رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب، سنت پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) و عقل استنباط می شود. الگوهای پیش گفته چگونگی پیوند شرکت کنندگان در نظام اقتصادی (مردم و دولت) به یکدیگر و به منابع اقتصادی در جهت هدف های اقتصادی اسلام را تبیین می کنند(میرمعزی، 1390)

نیز هدف غایی این نظام فراهم آوردن زمینه های اقتصادی سعادت فرد و جامعه انسانی و هدف های میانی آن عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارور ساختن استعداد های طبیعی است(میرمعزی، 1390).

این نظام دارای اصول مذهبی یا راهبردی ویژه ای مانند حاکمیت مصالح فرد و جامعه، دولت مصالح، آزادی همراه با مسئولیت مردم در برابر هدف های نظام و مصالح جامعه، حاکمیت اصل رقابت سالم و تعاون بر رفتار های اقتصادی مردم، تحریم ربا و اصول توزیع درآمد و ثروت است که چارچوب حرکت سمت هدف های نظام اقتصادی اسلام را تعیین می کنند(میرمعزی، 1390).

در اندیشه های مقام معظم هبری که خود، طراح ایدئولوژی اقتصاد مقاومتی هستند، نیز به وضوح ارتباط معنادار اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی آشکار است؛ به طوری که می شود اینگونه بیان داشت که ایشان اقتصاد مقاومتی را مستخرج از اقتصاد اسلامی و مبتنی بر مفاهیم اصولی آن می دانند. در اینجا به برخی از بیانات معظم له پیرامون اقتصاد اسلامی می پردازیم:

"یک عده ای هستند که تصور می کنند می شود ملتی مسلمان بود اما به احکام اسلام عمل نکرد؛ این تصور معنایش جدایی دین از سیاست است؛ معنایش این است که اسمتان مسلمان باشد اما به احکام اسلامی عمل نکنید و نظام بانکداری، اقتصاد، آموزش و پرورش، شکل و محتوای حکومت و ارتباطات فرد و جامعه تان به خلاف اسلام و طبق قوانین غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی باشد"(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران به مناسبت عید غدیر خم، 74/2/28)

"این ها نشان می دهد که نظریه پردازی های غربی در زمینه سیاست، در زمینه اقتصاد، نظریه های ناقص، عقیم و بی خاصیتی است، ما را بیشتر تشویق می کند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه اسلامی را پیدا کنیم" (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها، 90/6/2)

بر اساس این نمی توان اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه ایشان به گونه ای تفسیر کرد که ارتباطی با اقتصاد اسلامی نداشته و نسخه بازسازی شده اقتصاد حمایتی یا اقتصاد تحریم و مانند آن باشد که در ادبیات اقتصادی وجود دارد(میرمعزی، 1390)

مولفه ها و سیاست های اصلی اقتصاد مقاومتی

پیش از معرفی مولفه ها و سیاست های اصلی اقتصاد مقاومتی، به عنوان نمونه به دو مورد از سخنان مقام معظم رهبری پیرامون این موضوع اشاره داشته و در ادامه سعی می شود بر اساس سایر سخنان ایشان، به تبیین این سیاست ها بپردازیم.

"سیاست های اقتصاد باید سیاست های اقتصاد مقاومتی باشد -یک اقتصاد مقاوم- باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند، باید تغییر های گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود؛ این چیز ها لازم است"(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور به مناسبت هفته کارگر، 92/2/7).

من سال 86 در صحن مطهر علی بن موسی الرضا(ع) در سخنرانی اول سال گفتم که این ها دارند مسئله اقتصاد را پیگیری می کنند، بعد هم آدم می تواند فرض کند که این شعار های سال حلقه هایی بود برای پدید ساختن منظومه ای کامل در زمینه مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله جلوگیری از اسراف، مسئله همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله جهاد اقتصادی و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. ما این ها را به عنوان شعار های زودگذر مطرح نکردیم؛ این ها چیز هایی است که می تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند، می تواند ما را پیش ببرد. ما باید به دنبال این راه باشیم. مسئله اقتصاد مهم است. اقتصاد مقاومتی مهم است(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، 91/5/3).

رهبر معظم انقلاب جلوگیری از بیکاری عوامل تولید و ایجاد شرایط اشتغال کامل را از جمله نتایج اقتصاد مقاومتی می داند. ایشان استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی، مردمی کردن اقتصاد، تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست های اصل44، توانمندسازی بخش خصوصی، فعال کردن واحد های تولیدی کوچک و متوسط را به عنوان شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی معرفی فرمودند(سیف، 1391). مردمی سازی اقتصاد از جمله استراتژی‌های اقتصادی اقتصاد مقاومتی است. از طرفی زیرساخت‌های فرهنگی از جمله فرهنگ سازی ویژگی‌های نیروی جهادی در فرهنگ عمومی را از دیگر زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی می‌توان معرفی کرد. باید توجه داشت که تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند الزامات و زیرساخت‌هایی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که ممکن است لزوما در بخش اقتصاد جامعه نیز مورد توجه قرار نگیرد(تراب زاده و همکاران، 1392).

اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری، شرایط و الزاماتی دارد: استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی، مردمی کردن اقتصاد و ...(سیف، 1391). رهبر معظم انقلاب ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی را چنین معرفی می‌نمایند: «وجود امکانات و ثروت داخلی، مردم خوب، منابع مالی موجود، منابع انسانی موجود و ملت جوان، عدم بدهکاری جهانی، محوریت تفکر دینی و جهت‌گیری دینی و اسلامی در حرکت کشور و...»(سیف، 1391).

حمایت از کار و سرمایه ایرانی و مردمی سازی اقتصاد از جمله استراتژی های اقتصادی اقتصاد مقاومتی بوده و مفاهیمی از جمله نگاه صحیح به کار، کارگر و کار آفرین، حفظ ارزش نیروی کار و نقش آفرینی بخش خصوصی و تعاونی ها را در ذیل آن ها تعریف می شود(تراب زاده و همکاران، 1392).

همچنین بهره وری، اشتغال زایی پایدار و سیاست گذاری تربیت نیروی انسانی بخشی از اهرم های مقاومت بخش اقتصاد مقاومتی می باشد(تراب زاده و همکاران، 1392). خوشبختانه تدوین و پیاده سازی الگوی اقتصاد مقاومتی برای کشوری مانند ایران با داشتن منابع فراوان، جمعیت زیاد، بازار بزرگ درون کشور و ارتباطات منطقه ای نسبتا خوب فراهم است. پتانسیل ها و منابع بیکار استفاده نشده فراوان فعلی هم حاکی از آن است که استفاده کامل و کارآمد از منابع موجود و به کارگیری آن ها در ظرفیت اشتغال کامل می تواند بسیاری از مشکلات و آسیب ها را چاره کند.(سیف، 1391) نکته مهم دیگر این که در شرایط وجود چالش ها، چنانچه الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فعال سازی ظرفیت های داخلی کشور شکل گیرد، بهترین سکوی پرتاب برای شرایط پس از چالش خواهد بود؛ به گونه ای که با رفع این چالش ها،ظرفیت اقتصاد به صورتی کامل تر آزاد و موجب شتاب خواهد شد.(سیف، 1391).

مردمی کردن اقتصاد به معنای مشارکت مردم در اقتصاد نیست؛ بلکه به معنای تکیه به مردم در فعالیت های اقتصادی و به معنای آن است که مردم نقش اصلی را در فعالیت های اقتصادی داشته باشند. این امر باعث می شود که از تمام استعداد ها و ظرفیت های مردم در جهت تولید ثروت و دست یابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود.

استقلال اقتصادی وقتی حاصل می شود که تولید ملی دو ویژگی داشته باشد:

1- به صورت مستقیم یا غیر مستقیم پاسخگوی نیاز های مردم و کشور باشد.
2- با کار و سرمایه ایرانی تولید شود.

بر این اساس یکی از سیاست های اقتصاد مقاومتی باید حمایت از کار، سرمایه و تولید ملی باشد.

مدیریت تغییر الگوی مصرف جامعه در جهت حذف اسراف و تبذیر و افزایش مصرف کالا های داخلی از سیاست های ضروری در جهت استقلال اقتصادی است.

منابع مالی کشور منبع عظیمی است که اگر درست مدیریت شود می تواند جریان سرمایه گذاری و تولید را در جهت نیاز های کشور و تامین قدرت و استقلال اقتصادی قرار داده و این جریان را تسریع و گسترش دهد. از این رو در نظام مالی امروز مدیریت بهینه منبع مالی یکی از سیاست های ضرور در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی است.(میرمعزی، 1390)

دکتر محمد جواد ایروانی در مقاله ای مولفه های ذیل را به عنوان عناصر تشکیل دهنده ی پیکره ی اقتصاد مقاومتی معرفی می کند:

1. عدالت 2. مشارکت حداکثری آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی 3. اقتصاد دانش بنیان 4. درون زایی، تولید گرایی و توجه به بخش واقعی اقتصاد 5. واکنش هوشمند و فعال در برابر تحریم ها و فشار ها 6. مدیریت و اصلاح مصرف و افزایش بهره وری 7. خوداتکایی در تامین نیاز های اساسی جامعه 8. برون گرایی، تجدید آرایش در روابط اقتصادی و مبادلات بین المللی 9. سلامت و امنیت اقتصادی(ایروانی، 1393)

نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی

نظام تامین مالی یک نقطه اهرمی در اقتصاد مقاومتی است و نیازمند توجه اساسی و تمرکز راهبردی است. روند گذشته و موجود تامین مالی فعالیت های مختلف در ایران، نقطه تمرکز و توجه تامین مالی، نقش تامین مالی و سازوکار ها و ابزار های آن در پیشرفت اقتصادی کشور تاکنون نتایجی را به وجود آورده است که مطلوب نمی باشد(ایروانی، 1393)

بدون تامین مالی کافی کسب و کار های نوپا به مخاطره می افتد و کمبود سرمایه موجب بسیاری از شکست ها در کسب و کار های جدید تلقی می شود(بیگدلو، 1383) تاکید سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بر مردمی کردن اقتصاد، تکمیل زنجیره ارزش و توسعه اقتصاد دانش بنیان نیازمند سازوکار های متناسبی برای تامین مالی خرد یک استلزام راهبردی است و از سویی دیگر فعالیت های دانش بنیان که به طور عمده بر خلاقیت و نوآوری مبتنی است نیازمند تامین مالی خطر پذیر است.

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک مکتب جدید اقتصادی از مولفه ها و مضامین برخوردار است که این جامعیت و رشدیافتگی در سایر مکاتب یا رویکرد های اقتصادی دیده نمی شود.

برای مردمی کردن اقتصاد حرکت به سمت تامین مالی خرد ضرورت دارد. مردم، به ویژه طبقات کم درآمد و متوسط علاوه بر نیاز به تامین مالی خرد باید بتوانند توانایی هایشان را در قالب همکاری های جمعی به اشتراک بگذارند؛ بر همین اساس، شکل گیری تعاونی ها، شرکت های کوچک و متوسط و توانمندسازی خوشه های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی می تواند بسیار موثر باشد.

در فعالیت های دانش بنیان با توجه به وجود مخاطرات احتمالی در مسیر تجاری سازی یک ایده، صندوق های جسورانه و خطرپذیر از کارآمدی بالاتری برخوردار هستند. از سوی دیگر راه اندازی صندوق های حمایتی در مراحل اولیه ی حرکت ایده تا محصول که هنوز کارآمدی اقتصادی آن ثابت نشده است، نیز یک کار ابتکاری است.(ایروانی، 1393)

با توجه به مواردی که در بالا آمد، می توان امیدوار بود که نهاد قرض الحسنه که دارای ویژگی های منحصر به فردی می باشد، خواهد توانست به عنوان ابزار تامین مالی الگوی اقتصاد مقاومتی مطرح گردد. الگویی که برای تحقق سیاست ها و دستیابی به اهداف والایش ناگزیر به کارگیری نظام تامین مالی ای است که در عین مبتنی بودن بر نظام اقتصادی اسلام، متناسب با شرایط خاص اقتصاد مقاومتی هم باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش هایی که تاکنون در زمینه اقتصاد مقاومتی انجام شده است، غالبا به معرفی و تحلیل الگوی اقتصاد مقاومتی پرداخته اند و سعی داشته اند مدل منسجم و چارچوب کاملی با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری ارئه نمایند؛ لذا کم تر به چگونگی تحقق اقتصاد مقاومتی در میدان عمل و ابزار های پیشنهادی نظام اقتصاد اسلامی جهت تحقق کامل این الگو، پرداخته شده است. حال آنکه می دانیم هر الگوی اقتصادی، بدون توجه به یک نظام تامین مالی منسجم و متناسب، محکوم به شکست است. مقاله ی حاضر پس از معرفی کامل عقد قرض الحسنه و تبیین ویژگی های این عقد و معرفی نظام مند الگوی اقتصاد مقاومتی و سیاست های راهبردی آن، قرض الحسنه را با توجه به جایگاهی که در اقتصاد اسلامی دارد و همچنین ویژگی های ذاتی آن، به عنوان یکی از بهترین ابزار های تامین مالی اقتصاد مقاومتی معرفی می کند که بیش ترین تناسب را با چارچوب اقتصادمقاومتی دارد. در ادامه نتایج مقاله ی حاضر و پیشنهادات مبتنی بر آن ارائه می شود.

1. قرض الحسنه به عنوان یکی از عقود مهم اسلامی است که دین مبین اسلام هم برای آن اهمیت فراوانی قائل شده است و با مشخصه های خاصی نظیر اخلاص، بدون ریا بودن، از مال حلال قرض دادن، بدون منت بودن و عدم طلب سود، شناخته می‌شود.
2. طرف وام دهنده در قرض الحسنه عموما دارای انگیزه های اخروی، اخلاقی، نوع دوستی و پس انداز است.
3. طرف وام گیرنده در قرض الحسنه، نیازمند است و این وام را غالبا صرف نیاز های ضروری و مصرفی و گاها هم صرف امور تولیدی جهت امرار معاش خود و خانواده خود می کند.
4. هدف غایی نظام اقتصادی اسلام، فراهم آوردن زمینه های اقتصادی سعادت فرد و جامعه ی انسانی است.
5. اقتصاد مقاومتی، کلید واژه ای است که با ساختار منسجم و راهبرد های دقیق خود می تواند در شرایط کنونی، تهدید ها را به فرصت تبدیل کرده و دستاورد های مغتنمی را برای نظام اقتصادی کشور به ارمغان آورد.
6. از جمله سیاست های مهم و راهبردی اقتصاد مقاومتی می توان به اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از اسراف، همت و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مردمی کردن اقتصاد، اجرای اصل 44 قانون اساسی، توانمند سازی بخش خصوصی، فعال کردن واحد های تولیدی کوچک، گسترش فرهنگ کار، نگاه صحیح به کار و کارگر و کار آفرین، توجه به نقش آفرینی بخش تعاونی، توجه به اقتصاد دانش بنیان، خود اتکایی در تامین نیاز های اساسی و توجه به سلامت و امنیت اقتصادی اشاره کرد.
7. قرض الحسنه با توجه به این که برای طرف وام دهنده نوعی پس انداز محسوب می شود، لذا هم به نوعی جلوگیری از اسراف محسوب می شود و هم در اصلاح الگوی مصرف فرد وام دهنده، نقش مهمی ایفا می کند.
8. قرض الحسنه چون نهایتا مورد استفاده ی فرد وام گیرنده که نیازمند است قرار می گیرد، لذا به عنوان عامل انگیزاننده ای برای فرد وام گیرنده جهت کار و تلا ش بیش تر محسوب می شود.
9. با تجمیع مبالغ مربوط به قرض الحسنه، بنگاه های کوچک تولیدی شکوفا خواهد شد و این به معنای تحقق اصل 44 قانون اساسی نیز می باشد.
10. پیشنهاد می شود با توجه به خطر پذیر بودن تامین مالی طرح های دانش بنیان و وجود مخاطرات احتمالی در مسیر تجاری سازی، صندوق های قرض الحسنه با رویکرد حمایتی وارد عرصه شوند.
11. پیشنهاد می شود طبقات کم درآمد و متوسط علاوه بر تامین مالی خرد در قالب دریافت وام قرض الحسنه بتوانند توانایی هایشان را در قالب همکاری های جمعی به اشتراک بگذارند؛ بر همین اساس، شکل گیری تعاونی ها، شرکت های کوچک و متوسط و توانمندسازی خوشه های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی می تواند بسیار موثر باشد.
12. تامین نیاز های اساسی خانوار های کم درآمد با استفاده از تسهیلات قرض الحسنه، هم از طرفی در کاهش فاصله ی طبقاتی نقش مهمی ایفا می کند و هم از طرف دیگر در تامین امنیت اقتصادی این خانوار ها موثر است و این هم یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی می باشد.
13. با توجه به اینکه عقد قرض الحسنه همراه با طلب سود نمی باشد و همچنین نهاد های متولی قرض الحسنه از ضریب شفافیت و سلامت نسبتا بالایی برخوردارند، لذا می تواند در تامین شفافیت و سلامت که از جمله مبانی اقتصاد مقاومتی است، بسیار تعیین کننده باشد.
14. انتظار می رود با تمرکز بر ابزار تامین مالی قرض الحسنه به عنوان زمینه ساز پیشبرد کامل اقتصاد مقاومتی، دو هدف همزمان تامین گردد؛ تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی و احیا و ترویج فرهنگ اسلامی قرض الحسنه.

منابع

1. قرآن کریم
2. ابراهیمی، محمد حسین، 1372، ربا و قرض در اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
3. ایروانی، محمد جواد، 1393، تحول در نظام پولی و مالی نقطه اهرمی اقتصاد مقاومتی، قابل دسترس از: http://www.iravany.com/tdnpm.pdf.
4. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از استادان دانشگاه، 90/6/2.
5. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان، 91/5/8.
6. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، 91/6/2.
7. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور به مناسبت هفته کارگر، 92/2/7.
8. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران به مناسبت عید غدیر خم، 74/2/28.
9. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، 91/5/3.
10. بیگدلو، مهدی، بررسی منابع گوناگون تامین مالی کارآفرینان، مجموعه مقالات اولین همایش ملی صنعت سرمایه گذاری مخاطره پذیر، 1383.
11. تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق و سجادیه، سیدعلیرضا و سمیعی نسب، مصطفی، بررسی ابعاد و مولفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران دراندیشه حضرت آیت الله خامنه ای(مدظله العالی)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره سی و دوم، بهار1392، 46-31.
12. جوادی آملی، عبدالله، 1385، تسنیم، قم، نشر اسراء.
13. حنبل، الامامأحمد، 1389، المسند، بیروت، المکتب‌الاسلامی.
14. خمینی، روح الله، 1365، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
15. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، 1412، مفردات قرآن، بیروت، دارالقلم.
16. سیف، اله مراد، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بردیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز1391، 22-5.
17. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی، 381، من لایحضر الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیۀ.
18. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، 1400، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی.
19. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، 1413، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء.
20. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، 1393، الکافی، تهران، دارالثقلین.
21. طباطبائی، محمد حسین، 1393، المیزان، بیروت، مؤسسۀ الاعلمی.
22. طبرسی، مقتل بن الحسن، 1372، مجمع البیان، تهران، ناصرخسرو.
23. عاملی، محمدبن الحسن الحر، 1952، وسائل‌الشیعه، بیروت، داراحیاءالتراث‌العربی.
24. عبداللهی، محمود، 1371، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
25. قبانچی، حسین السید علی، 1365، شرح رسالۀ الحقوق امام سجاد(ع)، قم، اسماعیلیان.
26. قرشی، علی اکبر، 1371، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
27. کمیجانی، اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، مجله نامه مفید، سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان 1377، 254-233.
28. مجلسی، محمد باقر، 1370، مرآۀ العقول فی شرح اخبار الرسول ، تهران، دارالکتب الاسلامیۀ.

29. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی،1370، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع).
30. میرمعزی، سید حسین، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، پاییز 1391، 76-49.
31. میرمعزی، سید حسین، 1390، نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
32. نجفی، محمدحسن، 1394، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیّه.
33. نراقی، محمد مهدی، 1377، جامع السعادات، تهران، انتشارات حکمت.
34. نوری، میرزا حسین، 1415، خاتمهٔ مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت.
35. هادوی نیا، علی اصغر، 1376، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر اکبر کمیجانی، دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید(ره).
36. هادوی نیا، علی اصغر، 1378، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.